

رویداد

بعد از پایداری خودکفایی در تولید گندم نوبت به موفقیت دیگری رسید

چند گام تا خودکفایی شکر

● **تسلیم؛** معاون وزیر جهاد کشاورزی گفت: تولید شکر در هکتار از ۳.۵ تن در برنامه سوم به ۷.۵ تن رسیده است و فقط چند گام با خودکفایی در تولید این محصول فاصله داریم. عباس کشاورز روز گذشته در همایش سراسری کشت پاییزه ۹۶-۹۷ و در آغاز سال زراعی جدید اظهار کرد: در سال جاری سطح کشت چغندر قند صد هزار هکتار افزایش می‌یابد و در کنار آن به میزان عملکردها افزوده می‌شود که این امر زمینه خودکفایی در سال جاری را فراهم می‌آورد. کشاورز گفت: با افزایش عملکرد در هکتار توسعه کشت پاییزه و همدلی در صنعت شکر، فقط چند گام تا خودکفایی این محصول فاصله داریم. این مقام مسئول با بیان اینکه قیمت شکر باید اصلاح شود و به منظور شفاف‌سازی در فروردین‌ماه هر سال اعلام شود، گفت: تا سه سال آینده تولید کلزا در ایران رکورد جهانی را پشت سر می‌گذارد و به میانگین پنج تن در هکتار برای کشت آبی می‌رسد. او با بیان اینکه کلزا نسخه نجات کشت‌های آبی کشور است، گفت: در دو سال آینده ضرب خودانگیزی در تولید دانه‌های روغنی با توسعه کشت کلزا باید ۳۰ درصد افزایش یابد. در غیر این صورت واردات، تولیدات داخلی را از بین می‌برد. معاون وزیر جهاد کشاورزی تصریح کرد: در محصول گندم به خودکفایی رسیدیم و این خودکفایی اکنون به وضعیت پایدار رسیده است.

خبر ویژه

مدیرعامل بانک دی تاکید کرد:

جلب رضایت مشتریان با اجرای ابزارهای نوین بانکداری اسلامی

● مدیرعامل بانک دی به مناسبت هفته بانکداری اسلامی، در پیامی ضمن گرامیداشت این هفته، بر توسعه عقود و ابزارهای اسلامی در نظام بانکی کشور تاکید کرد. به گزارش روابطعمومی بانک دی، محمدرضا قربانی در این پیام ضمن بررسی جایگاه و نقش بانکداری اسلامی و دستاوردهای آن برای شبکه بانکی و اقتصاد کشور از برنامه‌های جدید بانک دی و اهتمام کارکنان برای توسعه ابزارهای بانکداری اسلامی خبر داد. بخشی از متن این پیام به شرح زیر است: «جهت‌گیری کلی در حوزه عملیات بانکی در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در راستای حذف پدیده غیرقابل قبول ربا از مجموعه عملیات بانکی کشور بود. به‌همین دلیل قانونی که در مجلس شورای اسلامی مطرح، بررسی و نهایتاً تصویب شد، عنوان «قانون عملیات بانکی بدون ربا» را بر خود داشت. اما در تمام سال‌های گذشته اجرای این قانون و انتظاری که از آن ایجاد شده است، پیاده‌سازی یک مفهوم بسیار وسیع است که از آن به بانکداری اسلامی تعبیر می‌شود. تعبیری که مسامحتاً مساوی و مترادف بانکداری بدون ربا به‌کار گرفته‌شده و این در حالی است که بانکداری اسلامی، به شرط امکان تعریف و تحقق، اساساً مفهومی به‌غایت گسترده‌تر از بانکداری بدون ربا است. بررسی اجرای قانون بانکداری بدون ربا در طی سه دهه گذشته بیانگر آن است که سیستم بانکی نسبت به اجرای این قانون نسبتاً موفق بوده است. باید توجه داشت که آنچه در برخی کشورها تحت عنوان بانکداری اسلامی تبلیغ و پیاده می‌شود، در کامل‌ترین حالت، ارائه خدماتی موازی در کنار خدمات متعارف بانکی است که سعی شده پدیده ربا از آن حذف شود؛ درحالی‌که در کشور ما سرویس و خدماتی جداگانه وجود ندارد و تمامی خدمات نظام بانکی عاری از رباست.»

قربانی در ادامه این پیام با اشاره به اقدامات اساسی انجام‌شده در حوزه بانکداری اسلامی آورده است: «بانک دی از ابتدای تأسیس، فعالیت خود را مبتنی بر عملیات بانکداری بدون ربا بنا گذاشت و در مدت‌زمان کوتاه تشکیل خود و هم‌راستا با شکل‌گیری و ایجاد مرکز مطالعات و توسعه بانکداری اسلامی، شورای فقهی خود را از سال ۱۳۹۳ با بهره‌گیری از مشاوران صاحب‌نظر این حوزه به‌ویژه حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر موسویان، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) راه‌اندازی کرد و تحقیق همه‌جانبه عملیات بانکداری اسلامی را در دستور کار خود قرار داد. این شورا در ابتدا تمرکز خود را بر همدان‌سازی ادبیات نظری و گفت‌وگو مشترک این حوزه و همچنین تبیین مفاهیم کاربردی بانکداری اسلامی اعم از روش‌های رایج در اعطای تسهیلات و انعقاد قراردادهای مبتنی بر شریعت اسلام قرار داد و در ادامه مسیر تطبیق ابزارهای پولی و بانکی مورد استفاده در بانک دی با شریعت اسلامی و نهادینه‌سازی گام‌های مختلف بانکداری اسلامی در این بخش را در دستور کار خود قرار داد.»



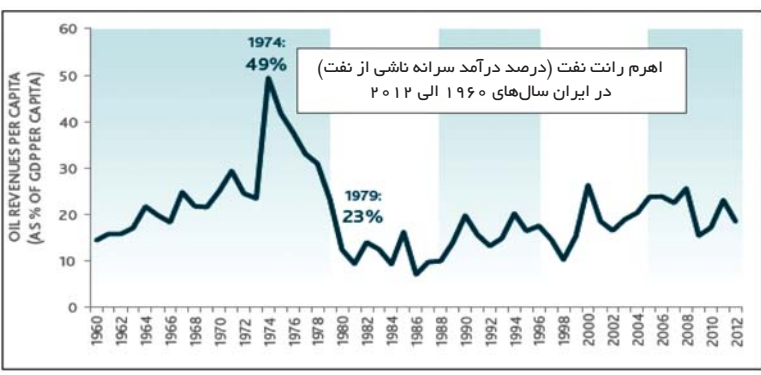
مهدی عسلی

زمان زیادی از آرای اعتماد مجلس به بیژن نامداریزنگنه، وزیر چهار دوره نفت ایران نمی‌گذرد. دوره دوم روی کار آمدن زنگنه در دولت‌های حسن روحانی، زمان مناسبی است تا گام‌هایی در راستای کارهای بنیادین برداشته شود. مهندس زنگنه در فرصت چهارساله‌ای که پیش‌تر گذاشت توانست تا حدودی خرابی‌های دوره تحریم‌ها و نیز ضعف مدیریت‌های دوره قبل را جبران و صنعت نفت را فعال کند و تولید نفت و گاز را به‌ویژه پس از اجرائی شدن برجام و لغو تحریم‌های بین‌المللی افزایش دهد. به‌طوری‌که تولید گاز در پارس جنوبی به حدود تولید گاز کشور همسایه (قطر) رسیده که دارای منابع مشترک گاز با ایران است و صادرات نفت نیز هم‌اکنون به بیش از دو برابر دوران تحریم یعنی حدود ۲.۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. با این حال چالش‌های بزرگی بر سر راه بازرسی و نوسازی صنعت نفت ایران وجود دارد که بدون اصلاحات بنیادین در صنعت نفت مواجهه با آنها آسان نیست. این چالش‌ها را می‌توان به‌طور کلی به سه گروه بزرگ دسته‌بندی کرد: ۱) چالش‌های مربوط به فناوری تولید، اعم از تجهیزات و ماشین‌آلات مدرن با بازدهی بالاتر، مدیریت پیشرفته و نیروی انسانی آموزش‌دیده و کارآمد در همه سطوح، ۲) چالش‌های مربوط به میزان تولید و نحوه توزیع رانت حاصل از نفت بین ذی‌نفعان مؤثر در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور و از جمله استقبال از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش نفت و گاز برای ارتقای ظرفیت‌های تولید به سطح متناسب با منابع عظیم نفت و گاز کشور و ۳) چالش‌های مربوط به ایجاد آمادگی برای مواجهه با تحولات بنیادین بین‌المللی مرتبط با انقلاب صنعتی چهارم که در حال شکل‌گیری بوده و پیش‌بینی می‌شود تأثیرات عمیقی در بخش‌های عرضه و تقاضای نفت و گاز در فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی بر جای خواهد گذاشت. در این مقاله به‌طور مختصر به این چالش‌ها پرداخته شده است.

در سطور گذشته معلوم شد که شرکت ملی نفت مسأله‌ساز است و یک الگوی تکاملی بلندمدتی را از خود نشان نمی‌دهد. به‌هر حال یک دولت رانتی دو مسیر را می‌تواند طی کند: ۱) یک فرایند متنوع‌سازی اقتصاد داخلی را دنبال کند و به‌تدریج به یک دولت متکی به تولید داخلی تبدیل شود. ۲) بدون تغییر سیاست مسیر را ادامه دهد تا آخرین بشکه نفت به فروش رود؛ سپس تشکیلات دولت رانتی را جمع کند و ناپدید شود. با این فرض که تا آن زمان شهروندان هم به اندازه کافی دارایی جمع کرده‌اند تا پس از پایان نفت به هرجا که می‌خواهند، بروند. سؤال آن است که اگر قبل از پایان نفت تقاضا برای آن به دلیل انتقال انرژی یا سیاست‌های کربن‌زدایی یا در سدرس قرار گرفتن سوخت‌های جایگزین تجدیدشونده سقوط کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ این در واقع سؤالی است که هم‌اکنون برای بیشتر کشورهای صادرکننده نفت از جمله اعضای اوپک مطرح است. این دولت‌ها تا چند سال پیش فرض می‌کردند که هنوز نفت برای دهه‌های آینده بلکه صد سال آینده دارند (به نمودار و جدول توجه شود) و اینکه به دلیل تمرکز منابع نفت در این کشورها به‌تدریج اتکای دنیا به نفت این کشورها بیشتر شده و قیمت نفت نیز روند صعودی را طی خواهد کرد، بنابراین آنها فرصت خواهند داشت که خود را برای دوره اوج (عرضه) نفت و پس از آن آماده کنند؛ اما اکنون با تنوع سوخت‌های جایگزین و مسائل تغییرات اقلیمی و اتومبیل‌های برقی ملاحظه می‌کنند که به جای اوج عرضه نفت جهان به سوی اوج تقاضا برای نفت حرکت می‌کند. به نظر

احیای صنعت نفت در دولت دوازدهم

چالش‌های زنگنه



که به سازماندهی شرکت ملی نفت (یکپارچگی عمودی یا ایجاد شرکت‌های متعدد) دارد. تأثیر مهمی بر عملکرد شرکت در خلق ارزش آن تأثیر تعیین‌کننده دارد. در واقع کانال اقتصاد سیاسی نفت از این طریق بر عملکرد شرکت ملی نفت و به‌طور کلی بر خلق ارزش بخش نفت اثر می‌گذارد. توجیه هیئت‌های حاکمه در کشورهای صادرکننده نفت برای دخالت در عملیات شرکت‌های ملی نفت از آنجا ناشی می‌شود که نفت نه یک کالا و منبع اولیه معمولی بلکه یک حامل انرژی پایان‌پذیر است که ابعاد امنیتی ملی، بین‌المللی و سیاسی دارد. توزیع رانت نفت بین گروه‌های سیاسی و انتقال بخشی از درآمد نفت به مردم برای جلب توافق آنها با ادامه حکمرانی دولت‌های مستقر از مباحث اقتصاد سیاسی نفت است که ادبیات وسیعی در آن وجود دارد. بُعد امنیتی بین‌المللی نفت (و گاز) به اهمیت حامل‌های انرژی در فرایندهای تولید کالاها و خدمات در تمام کشورهای جهان بر می‌گردد. کشورهای بزرگ صنعتی که چرخش چرخ‌های عظیم اقتصادی آنها منوط به امنیت عرضه یا به عبارت بهتر عرضه بدون اختلال انرژی است، هرگونه اختلال در واردات نفت (و گاز) و منقطع شدن انرژی را تهدیدی امنیتی برای خود تلقی می‌کنند و به‌همین دلیل نیز پس از تحریم‌های نفتی کشورهای عربی در سال ۱۹۷۳ که قیمت‌های نفت را با چوخی ناگهانی روبه‌رو کرد، ترتیبی داده‌اند تا با نگهداری مقادیر کافی انبارهای نفت و فرآورده‌های نفتی مانع تکرار آن وضعیت شده و از اختلال عرضه نفت به اقتصادهای خود جلوگیری کنند. با این حال هنوز هم اختلال‌های عرضه نفت در خاورمیانه و مخصوصاً کشورهای اطراف خلیج فارس که هر روز حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام (یا تقریباً ۱/۳ درصد تجارت جهانی نفت) از آن عبور می‌کند، می‌تواند اختلال در عرضه نفت محسوب شده و قیمت‌های جهانی نفت را متاثر کند. به‌همین دلیل نیز برنامه‌های توسعه ظرفیت‌های تولید کشور نفت‌خیز مانند ایران، علاوه بر کارشناسان نفت و انرژی جهان و فعالان اقتصادی داخلی، توجه کشورهای رقیب در منطقه و سایر بخش‌های جهان و کشورهای بزرگ واردکننده نفت را هم به خود جلب می‌کند. بنابراین موافقت یا مخالفت با قراردادهای نفتی ایران، هرچند در داخل کشور صورت بگیرد، تنها جنبه کارشناسی نداشته بلکه صبغه سیاسی و بین‌المللی هم دارد.

به دلیل حضور اوپک در بازار بین‌المللی نفت و راهبردی که به‌طور کلی این سازمان تاکنون دنبال کرده است، قیمت نفت معمولاً بالاتر از هزینه تولید نفت اعضای اوپک به‌ویژه اعضای خاورمیانه‌ای اوپک تعیین شده است. این موضوع رانت زیادی نصیب این کشورها کرده است؛ به‌طوری‌که ادبیات وسیعی در تحلیل رفتار اوپک و انتقال درآمد از کشورهای واردکننده نفت به صادرکنندگان این حامل مهم انرژی به وجود آمده است. یک چارچوب تحلیلی که تحت عنوان نظریه دولت‌های رانتی (Rentier State Theory) معروف شده و اوایل‌بار از سوی اقتصاددان ایرانی حسین مهروی و در مقاله معروف او در سال ۱۹۷۰ مطرح شده است، تلاش می‌کند رفتار دولت‌های منطقه به‌ویژه ایران را از نظر درپیش‌گرفتن الگوهای صنعتی‌شدن و نحوه حل مشکلات اقتصادی توضیح دهد. مهدوی دولت‌های رانتی را دولت‌هایی می‌داند که بخش بزرگی از درآمدشان را به‌طور مستمر از رانت نفت (یا منابع اولیه پایان‌پذیر) دریافت می‌کنند که درین حال این درآمد ارتباط اندکی با اقتصاد و فرایند تولید کالاها و خدمات داخلی این کشورها دارد. نظریه مهروی از سوی دیگران توسعه یافته (فکرت (۱۹۷۲) و پسران (۱۹۸۲)) و به یک ابزار تحلیلی برای تحلیل اقتصاد سیاسی کشورهای صادرکننده نفت تبدیل شد. در این چارچوب نظری دولت رانتی با تکیه به رانت عظیم نفت احتیاجی به توسعه بخش تولیدی داخلی و اخذ مالیات از شهروندان ندارد. بخش کوچکی از جمعیت کشور در بخش نفت و گاز شاغل است که رانت را ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که اکثریت جمعیت تنها از آن استفاده می‌کنند و دولت

می‌رسد دولت‌ها در این کشورها از اینکه اقتصاد خود را برای چنین انتقالی آماده نکرده‌اند و نیز نگرانی از احتمال ناآرامی‌های اجتماعی که می‌تواند به دلیل کاهش دائمی رانت نفت پیش بیاید، عصبی شده و به حرکاتی متوسل شده‌اند که تا چند سال پیش، از این کشورها باورکردنی نبود. درباره ایران می‌توان فرض کرد که همواره حتی قبل از انقلاب هدف اصلی کشور استفاده از درآمدهای نفتی برای توسعه بخش‌های صنعتی و زیرساخت‌ها بوده است تا در پایان نفت این سرمایه‌ها جریان درآمدی جایگزین را ایجاد کنند؛ به‌همین دلیل نیز سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی ایران کمتر از سهم بخش نفت در اکثر کشورهای اوپک بوده است.

با این حال باید توجه کرد که به دلیل افزایش جمعیت و فشارهایی که بر قیمت نفت وجود دارد و مشکلات مربوط به افزایش نفت کشور فرصت زیادی برای راهی را وابستگی‌های مربوط به درآمدهای نفت و گاز ندارد و چهار سال آینده فرصت خوبی است که با سیاست‌گذاری‌های مناسب ضمن توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز بخش غیرنفتی رشد فرایندهای داشته باشد تا به‌تدریج سهم بخش بالادستی نفت و گاز به تولید ناخالص داخلی به دامنه مقبول کاهش یابد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، احتمال آنکه سهم درآمد نفت در درآمد سرانه در بلندمدت روند کاهشی یابد، زیاد است. این نسبت نشان‌دهنده سهمی از درآمد سرانه ایرانیان است که به درآمدهای نفت وابسته است و به عبارت دیگر رانتی که دولت قادر است از محل درآمدهای نفت به‌طور متوسط از ایرانیان منتقل کند. روند کاهشی این رانت سرانه که در اکثر کشورهای صادرکننده نفت مشاهده می‌شود، مشکلات دولت‌های رانتی را بر اثر گذاری مستقیم بر زندگی مردم در این کشورها نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت عملکرد نامطلوب شرکت ملی نفت در شرایط کنونی حاصل تأثیر متقابل عوامل متعددی است که از تأثیر تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه بخش نفت و گاز ایران تا سیاست‌های نامناسب اقتصادی دولت ناظر بر فعالیت‌های بخش نفت، ساختار حکمرانی بخش، رابطه نامناسب مالی دولت با بخش نفت، فقدان مدیریت حرفه‌ای و راهبردهای صحیح برای شرکت‌های نفت و گاز و پالایش و پخش و پتروشیمی را در بر می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۱۹



فرصتی استثنایی

اقامتی به یاد ماندنی در

بابلسر ، متل عسل

ویلایی مجهز همراه با صبحانه ، ناهار ، شام

استفاده رایگان استخر ، سونا و جکوزی

استفاده رایگان تور دریایی ، بلیت‌ساز

مدت و ظرفیت محدود

۲ شب و ۳ روز

به ازای هر نفر فقط ۱۴۹/۰۰۰ تومان

داخلی ۲۲۱ ۲۹-۳۵۲۷۷۳۰۰ (۰۱۱)

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶